

رومئو و ژولیت

ویلیام شکسپیر | مترجم: علاءالدین پازارگادی



۱۳۹۷

خر و ادبیات در فرهنگ شکوه هسته اسلام همواره پایانگاهی و لازم داشته است.
سلما اشاره که در نه جا اشاره با اکلام الله می بیند، ارجح انتهاز بیان استه کلام فاخر و امیر از
رجح من داشته و زیارتی و زلک سفر عالی از جمله راه حل است پاس می دارد. در این بیان
بر این اشاره که از دری باز یعنی از همان حضور هشتمانه شریعت باسلام بیرون نمایی استوار و داشته است
رسیده این ادب گوی سبقت از دیگران را فهرست **فهرست** است. ادب فارس به یاد ممنی خود
کوششی فرهنگ ایران اسلام استه که در آن والاترین و در وقتی اندیشه های
ناری اندیشه هاست شعر غارسی و شکوه حق فرهنگ پایانگاهی پدری جایگاهی کو غیر دارد.

- سرآغاز** ۹ کام بخوبی است. قطعه آغازش تغییر نداشت تغییل که این به نیمه
اشخاص نمایش ۱۷ ادام نیز واقعیت را نشانی طاز می نماید. هر کجا واقع است
درآمد ۱۹ در این مشکل استه ادبیات این واقعیت را با یالی دلشیز در قلبیست
پرده اول ۲۱ سکان قایق در کشود. ادبیات باز این رنگی اندیشه است و این
پرده دوم ۶۶ می گزیند و کی هیچ اثر بروگرد این نیست که در آن سر ادام
پرده سوم ۱۰۸ در یادآوری خود و خود گرد نهایت اینکه گلیت اثر و دیام اصلی
پرده چهارم ۱۵۸ این می شوند. در آن اگر همچنانه از تو سند گل و شمار این بروز
پرده پنجم ۱۸۴ دعواندی و مطالعه شکسپیر و هر گز این جملات بهاظه می باشد
ضمیمه ۲۰۹ دیدم این اینکه سر فشار از ادب و اخلاقی است نه تنها انسان غریز
و دفعه و بندش نمی کند بلکه از ادبی کتاب اخلاقی نیست که مستحب نصحت کند
و فهرست را از این درست باز نماید بلکه از شیوه خود مستحب سود می جسد و در این اثیر
مشکل آن نیز در همین استه ادبیات در هنایت هادت و افکار و افکار جوانع درین
قبل بازدارد. امروزه با گسترش ارتباطات هنایت اقوام و جان امری ضروری است
ادبیات و افسن عر کشور آینه تمامی این فرهنگ این کشور است. با این اکثر ادبی
با احوال واقعی سلل دیگر آنها سی سیم و از جندوچون آن آنکه من اینم. سایر
آن اینکه با این معنا و سبکه ای بیان نازه از من که اند در میان آن اکثر ادبی کشور می باشد
آن می بینید.

هر گز انتشارات علمی و فرهنگی امیدوار است با توجه و تاثیر اکثر بروگرد
کنی جانی در این انتشارات اثرا نماید و دیگر گلی از این برقرار و این تقدیم این شاهد می کنند

بسمه تعالیٰ

هنر و ادبیات در فرهنگ شکوهمند اسلامی همواره پایگاهی ولا داشته است. سلمانان که پیوند جانشان با کلام الله مجید، اوج اعجاز بیان است، کلام فاخر را همواره رج می نهند و زیبایی را که جلوه ای از جلوات حق است پاس می دارند. در این میان بر اینان که از دیر باز یعنی از همان عصر در خشان نبوت بالاسلام پیوندی استوار داشته اند، رمیدان ادب گوی سبقت از دیگران را بوده اند. ادب فارسی به یک معنی اوج سکوهمندی فرهنگ ایران اسلامی است که در آن والاترین و ژرفترین اندیشه های نسانی جلوه گر است. شعر فارسی بی شک و بحق در فرهنگ بشری جایگاهی کم نظیر دارد. ادبیات کلام مخیل است. نقطه آغازش تخیل است، تخیلی که البته ریشه رواقیت دارد و سرانجام نیز واقعیت را بتمامی باز می نماید. در ک واقعیت برای سیاری از افراد مشکل است، ادبیات این واقعیت را با بیانی دلنشیں در قالبی تازه می ریزد تا برای همسان قابل درک شود. ادبیات بازتاب زندگی انسانهاست و ناگزیر زنیک و بد آن سخن می گوید، ولی هیچ اثر بزرگ ادبی نیست که در آن سرانجام بدی رنیکی پیروز شود یا بدآموزی ترویج گردد. نهایت اینکه کلیت اثر و پیام اصلی آن را مید منظر داشت نه جزئیات را که فقط در پرتو آن کلیت، معنی و مفهوم واقعی خود را از می باند و ارزیابی می شوند. در آثار هیچ یک از نویسندها و شاعران بزرگ جهان زهور و فردوسی و مولوی و حافظ تا شکسپیر و هو گو این جزئیات بظاهر خلاف ادب را خالق کلیت و پیام اصلی اثر را که سرشار از ادب و اخلاق است تحت الشاعر قرار نمی دهد و مخدوش نمی کند. البته اثر ادبی کتاب اخلاق نیست که مستقیماً نصیحت کند و درست را از فادرست بازنماید؛ بلکه از شیوه غیر مستقیم سود می جوید و راز تأثیر شگرف آن نیز در همین است. ادبیات در شناخت عادات و اطوار و افکار جوامع دیگر نقش پازار دارد. امروزه با گسترش ارتباطات، شناخت اقوام و ملل امری ضروری است. ادبیات واقعی هر کشور آینه تمام نمای فرهنگ آن کشور است. با نشر آثار ادبی با احوال واقعی ملل دیگر آشنا می شویم و از چند و چون آن آگاهی می ناییم. بعلاوه، آشنایی با نحوه ها و سبکهای بیان تازه تر می تواند در خلق آثار ادبی کشورمان و غنای آن مفید افتند.

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی امیدوار است با ترجمه و انتشار آثار بزرگ ادبی جهان، در شناخت اقوام دیگر گامی تازه بردارد و این خدمت انشاء الله مشکور باشد.

تسلیم شده بودند و ناشایع و نسبت
لطفیانه از شنیدن آور نیاید که بجهله نمایند
کا به عرض نشانید و بجهله مطلع نمایند و چنانجا و نهاد
در آغاز و پایان

درآمد

گروه پیشخوانان وارد میشوند

دوخاندان که از لحاظ شان و مقام همطراز بودند
در شهرزیبایی و روناکه نمایش ما در آنجا برگزار میشود
کینه قدیمی خود را به فته‌های تازه‌ای کشانده
و خونی که در این نزاع ریخته میشود دستان پاکی را آلوه
میسازد.

سرنوشت این بود که نطفه دو عاشق که ستاره آنها بهم پیوست

در این دو خاندان کینه توز بسته شود

و وقایع ناگوار رفت انجیزی بمرگ آنها منتهی گردد
و در نتیجه بمجادله پدرانشان پایان بخشد.

جریان عشق مرگبار و ترسناک آنان

و برافروخته شدن شعله خشم او لیاء آنان

که چیزی جز مرگ فرزندانشان آنرا نمیتوانست نابود سازد